

از مصلحان و مربیان جهان ذکر می‌کند:

«اگر کلمات امام - از سخنان، بیانی‌ها و وصیت‌هایش - را واژه‌شماری کنیم، بیش‌ترین کلماتی که به کار برده «اسلام» است و «خدا»، «قرآن»، «اهلبیت» و مانند آن‌ها. و راز آن اصرار و ابرام این بود که ایشان از عمق جان باور داشت که سعادت انسان جز در سایه اسلام، میسر نیست.»

«ویژگی امام این بود که در اسلام ذوب شده بود و چیزی از خود نداشت. او، آینده‌دار طلعت یار بود؛ آینده‌ای برای نشان دادن حقایق اسلام در گفتار، رفتار، موضع‌گیری‌هایش و تمام زندگی‌اش. این تجلی اسلام در وجود وی بود که او را محبوب آدمیان کرد.»

هم‌چنین در این بخش نقش امام در احیای ابعاد فراموش شده اسلام به‌ویژه مسایل تربیتی، با بیان علت فراموش شدن آن‌ها اشاره شده است. امام و جلوه‌بخش مذهب جعفری، امام و کشف هویت متدینان و... از جمله مباحث این نوشتار است.

«...برای پابنده‌ماندن افکار امام در جامعه که برگرفته از فرهنگ ناب اسلام است، باید وصیت‌نامه ایشان را از کف نهیم. وصیت‌نامه، آثار و سخنان امام - بلاتشبیه و باز هم بلاتشبیه - به قرآن می‌ماند که باید هر روز خواند. وصیت‌نامه ایشان، «عصا قرآن و سنت» است. در این نسخه، درمان دردهای اجتماعی ما وجود دارد.»

استاد مصباح یزدی در فصلی دیگر، استراتژی و راهبردهای حضرت امام را در دفاع از ارزش‌ها بیان می‌کند. در این نوشتار ضمن معرفی راهبرد قرآن به‌عنوان راهبرد امام است، به چند نمونه از برخوردهای حضرت امام در دفاع از ارزش‌ها اشاره می‌شود.

«...چرا حضرت امام اجازه نداد که در کنار «انقلاب اسلامی» بگویند، انقلاب دموکراتیک اسلامی، جمهوری دموکراتیک اسلامی؟ چرا اجازه نداد؟ چون صیغه اصلی این انقلاب اسلامیت است؛ مردم برای آن جان دادند، زندان رفتند، شکنجه‌ها دیدند و شهید شدند. برای این‌که اسلام تحقق پیدا کند، نه هوس‌های این و آن.»

در خاتمه بحث، استاد مصباح یزدی، اهداف و آرمان‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران را که همانا اهداف و آرمان‌های اسلام ناب است، تشریح و توضیح می‌دهند؛ تشکیل حکومت اسلامی، حمایت از محرومان، حفظ وحدت میان اقشار جامعه و ایجاد همبستگی و اتحاد میان مسلمانان و مبارزه با طاغوت از جمله اهدافی است که آن‌ها را برمی‌شمارند.

«امام از یک‌سو، وحدت مردم را به‌عنوان رمز پیروزی انقلاب اسلامی معرفی می‌کرد و از سوی دیگر، حفظ این وحدت را یک وظیفه بزرگ - بعد از پیروزی انقلاب - برای مسلمانان می‌دانست و عقیده داشت که باید در مقابل تلاش‌های سران کفر و استکبار جهانی برای نابودی اسلام، ایستاد و با آنان مبارزه کرد.»

... بر کرانه ایستادن و بی‌کران را نگرستن، شکوه‌بخش و جان‌فزا است. اقیانوس را اگر نمی‌توان به تمامی گشت و شناخت، همین بس که در ساحل آن ایستاد و غرق در تماشای موج آن شد. در این رهگذر شنیدن از ره‌آوردی چهل‌ساله از تفرج و سیر در ساحل وجودی مردی بی‌مرز، روح‌بخش و دلپذیر است چراکه:

خوش‌تر آن باشد که سر دلبران

گفته آید در حدیث دیگران

این کتاب بیان و شرح بینش و منش قائد کبیر و عظیم‌الشان امام خمینی - از نگاه آیت‌الله مصباح یزدی است. در این نوشتار، جناب استاد، ابتدا ابعاد شخصیتی امام خمینی - را در چهار بعد علمی، عرفانی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و نیز بعد مدیریت و رهبری، بررسی می‌کند.

«حقیقت این است که آن مرد، به قدری عظیم‌الشان بود و ابعاد گوناگون و جهات ژرف و افق‌های وسیع در روح او وجود داشت که هیچ بیان و بنانی و هیچ قلم و زبانی، توان روشن کردن همه آن ابعاد را ندارد. به‌راستی حق او را با امثال لوح و قلم، نتوان ادا کرد.» حضرت استاد در این بخش، ابتکارات امام را در مباحث فقه، اصول، فلسفه و عرفان برمی‌شمارد و با اشاره به ویژگی «عبودیت» به‌عنوان جوهره شخصیت وجودی آن عزیز، از پیوند او با کانون بی‌نهایت عظمت و سرچشمه نور سخن می‌راند. «اگر بنا باشد که امام را به‌عنوان الگو بشناسیم و به او اقتدا کنیم،

باید بدانیم که

چرا او به این

عظمت رسید و

سرش چه بود؟

اگر راز این

سروری را به

دست آوریم،

می‌توانیم در

حد توان، راه او

را پیش بگیریم

تا از آن نور

خدایی بهره‌مند

و اندکی از آن

عظمت

برخوردار

شویم.»

آیت‌الله مصباح

یزدی در ادامه

این تفرج

عاشقانه در

ویژگی‌های

والای حضرت

امام، آرای

تربیتی ایشان

را با تأکید بر

دلیل برتری

آرای تربیتی

امام بر نظر

بسیاری دیگر



بر ساحل اقیانوس

نگاهی دوباره به کتاب سیری در ساحل
بینش و منش امام خمینی

مرتضی اهوز

سیری در ساحت

رحمة الله علیه

بینش و منش امام خمینی

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی

